

## معرفی کتاب

### مجموعه مقالات منازعات نامتقارن

فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۳۸ بهار ۱۳۸۷

به اهتمام نبی الله روحی؛ مجموعه مقالات منازعات نامتقارن، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۸۶، ۳۳۳ صفحه.

#### مقدمه

تغییر در محیط امنیتی و دفاعی کشور و جایگزینی یک قدرت بزرگ به جای قدرتهای همپراز، گویای ضرورت شناخت ماهیت تهدیدهای جدید و باز تعریف استراتژی دفاعی در مقابله با تهدیدهای ناهمپراز بزرگ است. وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر به عنوان رخدادی استراتژیک، نقطه عزیمت آمریکا برای باز تعریف نقش، موقعیت و استراتژی جدید این کشور محسوب می شود. از جمله پیامدهای استراتژیک این حادثه در حوزه نظری، غلبه سیاستهای نظامی - امنیتی بود که ادبیات سیاسی - نظامی را دستخوش تغییر کرد. این حادثه، فرصتی را برای آمریکا فراهم آورد تا بر هندسه امنیتی جهان نگاه جدیدی بیندازد و برای شکل دهی به تغییرات مورد نظر، از متغیر قدرت نظامی استفاده کند. طراحی و اجرای دو جنگ و تغییر دو نظام سیاسی در کشورهای همسایه؛ یعنی افغانستان و عراق، نشانگر این است که اعمال این استراتژی برای دولت آمریکا می تواند موضوعی توقف ناپذیر باشد.

شتاب آمریکا در حل مشکلات پیش رو و اعتقاد به محدودیت زمانی و اهمیت حل مسئله ایران برای آنها، اعمال فشار بیش از پیش بر جمهوری اسلامی ایران را در پی داشته است. سناریوهای محتمل رویارویی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران در قالب دو شکل

کلی جنگ سرد و برخورد نظامی قابل تصور می‌باشد. جنگ سرد که عبارت است از درگیری در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، از دهه‌های گذشته از سوی دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در حال اجرا می‌باشد که البته تاکنون این برنامه‌ها راه به جایی نبرده و شکستهای پی در پی را برای آمریکا به دنبال داشته است.

با توجه به دیدگاه منفی گروههای افراطی در آمریکا پیرامون نتیجه بخش بودن جنگ سرد، گزینه توسل به زور یا کاربرد قوه قهریه در سطح محدود یا گسترده در چارچوب نظریه حمله پیش دستانه در دستور آمریکایی‌ها قرار دارد. با توجه به عوامل و شرایط محیطی حاکم، اگرچه اجرای گزینه نظامی نیازمند یک فرایند منطقی است که قبل از هرگونه اقدامی باید صورت گیرد، ولی نحوه عمل آمریکا نشان از آن دارد که همیشه تصمیمات آن کشور بر اساس منطقی و محاسبه اصولی نیست.

اگرچه وضعیت آینده نامعلوم است، ولی می‌توان با توجه به روندهای آشکار موجود و برخی ویژگی‌ها و شرایط محیطی، جنگ آینده را در قالب الگوی نامتقارن پیش بینی کرد. اقدام نامتقارن بر عدم قرینه سازی اصرار می‌ورزد. این روش می‌کوشد از نقاط ضعف و آسیب پذیر دشمن بهره‌برداری کند و موضعی از دشمن را مورد تهاجم قرار دهد که انتظار آن را ندارد. همچنین اقدام نامتقارن همواره غیر قابل پیش بینی و غیر منتظره است. استراتژی نامتقارن سازی، توازن قوا را در جنگها از میان برداشته و سبب شده است که ارتشهای بزرگ جهان، تفوق خود را در صحنه جنگ از دست بدهند و ابتکار عمل به طور گسترده در دست نقش آفرینانی بیفتد که با مفهوم جنگ به عنوان رویارویی قدرتهای برابر بیگانه‌اند.

با یک بررسی اجمالی از توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر قدرت و توان نظامی آمریکا و متحدان وی در اداره و کنترل صحنه عملیات در چند جنگ اخیر، نیک می‌توان در یافت که با توجه به موقعیت بسیج در زمینه بازدارندگی در برابر تهدیدهای نظامی و امنیتی آمریکا در سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی و در برابر تهدیدهای نرم آن در سالهای اخیر، بهره‌گیری از قابلیتها و پتانسیلهای نهفته در مردم و بهره‌گیری از

توانمندی‌های بومی و درون‌زا و تأکید بر نقش آفرینی مردم در عرصه دفاع از انقلاب اسلامی، این نهاد را می‌توان به عنوان مهم‌ترین نماد استراتژی بازدارندگی مردمی در راهبرد دفاع همه‌جانبه کشور محسوب کرد؛ راهبردی که می‌تواند در اراده تجاوزگری دشمن از هر نوع، تزلزل ایجاد کرده و او را از اقدام به هجوم و تجاوز احتمالی بر حذر دارد.

کتاب حاضر مشتمل بر مقالات علمی و در قالب نظریه‌ها و مطالعات موردی به تبیین رویکردهای مقابله با تهدیدهای نامتقارن پرداخته است. این کتاب شامل یازده مقاله است که در مجموع، دیدگاه‌های نظری و کاربردی مختلفی را درباره منازعات نامتقارن ارائه می‌دهد.

مقاله اول تحت عنوان «چرا کشورهای بزرگ در جنگ‌های کوچک شکست می‌خورند؛ با سیاست منازعات نامتقارن»، در پی پاسخگویی به این سؤال است که چگونه و چرا قدرتهای صنعتی بزرگ که دارای برتری‌های چشمگیر نظامی هستند در جنگ با کشورهای کوچک دچار شکست شده و مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند. هدف این مقاله تلاش برای فراهم‌آوری چشم‌اندازی نظری برای تبیین پیامدهای منازعات نامتقارن است. نویسنده برای تشریح چگونگی بی‌طرفی کشورهای کوچک در جنگ‌های نامتقارن، سه عنصر و شاخص قدرت نسبی، منافع نسبی و آسب‌پذیری بازیگران قدرتمند را مورد بررسی قرار می‌دهد.

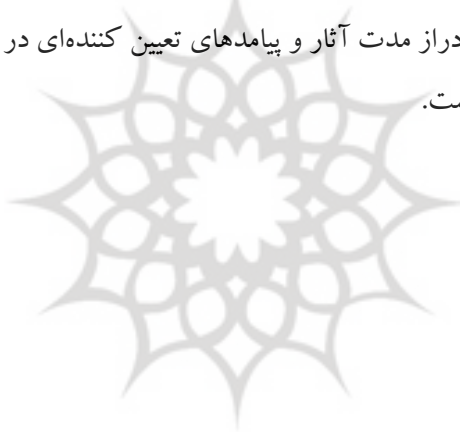
مقاله دوم کتاب به تئوری منازعات نامتقارن اختصاص دارد. این مقاله نظریه تعامل استراتژیک را برای تبیین علل شکست قدرتهای بزرگ در جنگ با بازیگران ضعیف مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. «چرا قدرتهای بزرگ در جنگ‌های کوچک بد عمل می‌کنند؟» عنوان مقاله بعدی کتاب است. این مقاله به بررسی علل عملکرد ناموفق قدرتهای بزرگ صنعتی و نظامی در جنگ‌های کوچک می‌پردازد. «ابعاد جنگ نامتقارن» عنوان مقاله چهارم کتاب است. در این مقاله مفهوم جنگ نامتقارن و ویژگی‌های آن توضیح داده شده و ابعاد آن با تکیه بر سه بعد عدم توازن منافع، محدودیتها و الزامات سیاسی حقوقی و اخلاقی آنها و بررسی تطبیقی این موضوع در جوامع غربی مورد تجزیه

و تحلیل قرار گرفته است. مقاله بعدی تحت عنوان «دکترین جنگ متقارن» با تأکید بر ضرورت شناخت تضاد ذاتی نقش دکترین نظامی و ماهیت عدم متقارن، ویژگی‌های یک دکترین کارآمد و ماهیت نبرد نامتقارن را بر می‌شمارد. نویسنده این مقاله در توضیح این ویژگی‌ها، به دو ویژگی تفکر خلاق و ابتکار عمل سازمان یافته در تمام سطوح فرماندهی و ترکیب این دویژگی در بهره‌گیری از فن آوری به عنوان پایه و اساس طراحی دکترین نظامی فوق می‌پردازد. مقاله «عدم تقارن و استراتژی جنگ انقلابی» با اشاره به برخی ویژگی‌های جنگ نامتقارن، جنگهای انقلابی را به عنوان نوع ویژه‌ای از فعالیتهای انقلابی و نهضتهای آزادیبخش و یکی از مهم‌ترین موارد جنگ نامتقارن مورد بررسی قرار می‌دهد که در آن قدرت کوچک یا ضعیف‌تر قادر به مبارزه با دشمن قوی‌تر از نظر عدد و تکنولوژی می‌باشد. نویسنده این مقاله معتقد است با غلبه سیاستهای نظامی و امنیتی قدرتهای سلطه و تغییر ادبیات سیاسی، نظامی حاکم بر جهان، در آینده، جنبشهای انقلابی بسیاری را شاهد خواهیم بود که منافع نامشروع قدرتهای سلطه را با چالش بزرگی روبه‌رو خواهند کرد. این مقاله با اشاره به تغییر شکل جنگهای انقلابی چنین نتیجه می‌گیرد که ارتشهای بزرگ جهان تفوق خود را بر ضد جنگ از دست داده و ابتکار عمل به طور گسترده در دست نقش آفرینان جنگ انقلابی بیفتد، مبارزانی که با مفهوم جنگ به عنوان رویارویی میان قدرتهای برابر بیگانه‌اند.

مقاله ششم کتاب به «کاربرد عملیات روانی در جنگ نامتقارن» اختصاص دارد. این مقاله به عملیات روانی به عنوان یکی از روشهای پر بازده در جنگ نامتقارن پرداخته و برخی از فنون و تاکتیکهای عملیات روانی را مورد بحث قرار می‌دهد. مقاله بعدی به «طرح عملیات روانی مقابله با تهدیدهای آمریکای علیه جمهوری اسلامی ایران» با تأکید بر نقش بسیج اختصاص دارد. نویسنده این مقاله، ضمن مطالعه و بررسی عملیات روانی در جنگ سلطه آمریکا و متحدانش علیه عراق، به تحلیل درسها و تجارب این جنگ با توجه به شرایط محیطی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

مقاله نهم کتاب، تجربه روسیه در چچن را به عنوان نمونه‌ای از جنگ نامتقارن در حوزه‌های نظامی، امنیتی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله بعدی کتاب به شورش

و ضد شورش در عراق پس از جنگ سلطه اختصاص دارد. این مقاله با اشاره به شکستهای پی در پی آمریکا در سرکوب شورشها در کشورهای مختلف، به علل و عوامل ناتوانی آمریکا در مقابله با شورشهای عراق می‌پردازد. سرانجام کتاب حاضر در آخرین مقاله خود درسهای جنگ اسرائیل علیه حزب الله با در جنگ ۳۳ روزه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. این مقاله ضمن بررسی و تحلیل جنبه‌های مختلف جنگ اسرائیل علیه حزب الله لبنان، کوششی است برای توصیف و تحلیل جنگ ۳۳ روزه و درس گرفتن از این جنگ نامتقارن. جنگی که بسیاری از معادلات سیاسی و نظامی منطقه حساس خاورمیانه را دچار تحوّل کرد. تحلیل حاضر گویای ابعاد مختلف توانمندی‌های حزب الله لبنان از یک سو و محدودیتها و شکستهای عملیاتی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از سوی دیگر است که در دراز مدت آثار و پیامدهای تعیین کننده‌ای در صحنه سیاست بین‌المللی در پی خواهد داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی